

فرهنگ اصطلاحات در عصر ارتباط

رویا صدر
تصویرگر: سام سلماسی

Smart board

تخته هوشمند؛ ما اینیم. وسیله‌ای دارای مصارف تزئینی و برای کور کردن چشم حسود در مدارس هوشمند. از نوع مرغوب آن به‌عنوان تخته سیاه و وایت‌برد نیز می‌توان استفاده کرد.

Laptop

در برخی نقاط جهان وسیله کاری، علمی یا درسی است ولی در اصل برای شنیدن آهنگ و تماشای فیلم‌هایی که باید آن‌ها را تک‌نفره دید و یا رفتن به فیس‌بوک اختراع شده است. جنس مرغوب آن به‌عنوان زیردستی و بشقاب میوه‌خوری نیز کاربرد دارد.

Mobile

وسیله‌ای برای تماس با جهان آزاد، مخصوص نوجوانان گرفتار در زندان کلاس و مدرسه و مجامع خانوادگی و مهمانی‌های فامیلی. بدون تو هرگز، بهانه‌ای برای بودن؛ نظیر: «امشب شب مهتابه، موبایلم رو می‌خوام.»

Google

وسیله‌ای برای آزمایش وصل بودن یا نبودن دستگاه به اینترنت

Finger

یکی از دو عضو قابل استفاده بدن در عصر ارتباطات (عضو دیگر چشم است - م).

Elearning

یادگیری الکترونیکی؛ راهکاری برای ائتلاف ظالمانه اوقات فراغت گران‌بهای معلمان در کلاس‌های آموزش حین خدمت؛ آنچه به معلمان نابلد آموزش داده می‌شود که به شاگردانی که بهتر بلدند، بیاموزند.

Twitter

فضای ارائه اشانتیون حرف و اثر، وسیله اعلام برائت بشریت از خواندن آثار نویسندگان روده‌درازی و از قبیل آقایان تولستوی و داستایفسکی.

tahghigh (تحقیق)

گونه‌ای تکلیف درسی که انجام آن معمولاً از طریق اتصال به اینترنت آغاز می‌شود، با رفتن به «گوگل» و «ویکی‌پدیا» تداوم می‌یابد، با «کپی پیست» و ذخیره و دست آخر پرینت و طلق و شیرازه به پایان می‌رسد.

Smart School

مدرسه هوشمند؛ زمانی برای افه آمدن مناسب بود. آنچه بزرگ‌ترین مدافع آن، مهندس مال‌میرآبادی، مسئول شرکت فروش رایانه و لوازم جانبی است. محل تغییر کاربری سی‌پی‌یو به میز ناهارخوری. تجهیزات رایانه‌ای هفت دست، از آموزش و یاددهی فعلاً اطلاعی در دست نیست!

Facebook

پدیده‌ای غیرقانونی که همه از آن استفاده می‌کنند. دلیلی برای بودن: «من فیس‌بوک دارم، پس احتمالاً هستم.»
جمله قصار: «هوا را از من بگیر، فیس‌بوک را نه.»

Antenna

آنتن؛ معمولاً تلفن‌های همراه در دادن آن حسّت به خرج می‌دهند. در نقاط کوهستانی، دشت و صحرا، کوچه و خیابان و توی تونل و این‌ور تونل و اون‌ور تونل حکم کیمیا را دارد. فرشته نجات برای دست به‌سر کردن دوستان و آشنایان و معلمانی که از راه‌های دور و نزدیک با تلفن قدم رنجه کرده‌اند؛ نظیر: «حاجی، جون تو آنتن نمی‌ده، صدا قطع و وصل می‌شه. شرمنده، نمی‌تونم صحبت کنم...» یا: «خانوم، موبایلم آنتن نمی‌داد، نتونستم سؤالاتی رو که فرستاده بودید حل کنم، شرمنده...»

Google translate

مترجمی که به سبک اثیرالدین اخسیکتی و پارسی‌سرایان عصر مفرغ جمله‌پردازی می‌کند.

Sms

امروزه در جوامع پیشرفته، به‌خصوص در مدارس، جای عضو بی‌اثری به‌نام زبان را گرفته است؛ شیوه گپ زدن دو تا نوجوان با هم، وقتی درست بغل دست هم نشسته‌اند. مورد استفاده بعضی معلم‌های ندید بید (۱) جهت ارسال پیام‌های آموزشی برای بچه‌های معصوم و بی‌پناه که وقت گران‌بهای آن‌ها را بدین‌وسيله می‌گیرد. وسیله پیشرفته‌ای برای تبادل دانش سر امتحان.

Like

پیش از این به معنای دوست داشتن بود ولی از زمان تولد فیس‌بوک، تنها از تمایل انگشت سبابه دست برای فشار دادن دکمه like حکایت می‌کند و نشانه حس خاصی نیست. تعداد آن در یک پست فیس‌بوکی رابطه مستقیمی با ترکاندن چشم حسود دارد.

Webgardi (وبگردی)

بهترین وسیله برای حیف و میل لحظات کوتاه، و ارزشمند زندگی.

